



Explanation of the philosophical foundations of the education of thoughtful students in the philosophical-educational school of Islam in order to provide a theoretical framework

Mohammad Javadinikoo¹ | Mehdi Sobhaninejad² | Akbar Rahnema³

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.61.6.2

Abstract

The research with the aim of explaining the philosophical bases and components of the education of thoughtful students was done in the philosophical-educational school of Islam. The research method was conceptual and inferential analysis. The ideas of two great Islamic philosophers and theologians, namely Allameh Tabatabai and Martyr Motahari, were selected and analyzed as examples. The findings showed that the foundations of ontology, anthropology, epistemology and values of the philosophical-educational school of Islam contain fields such as; The reality of having a material and spiritual world, the emergence of man by the wisdom and power of the Almighty, the fact that man is composed of the soul and the body, the superiority of man over other beings in existence, the natural guidance of man, understanding the characteristics of God's actions and discovering the unknown with reason, activity, theoretical and practical reason in man, the importance of natural tendencies in the perfection of man, the limitlessness of man's pursuit of perfection, the dependence of mastery over destiny on the use of thinking, the association of revelation with thinking to respond to the material and spiritual needs of man. According to these principles, the four steps of consideration, thinking, rationalization and reaching the destination were drawn for the education of the student of thought. Taking advantage of the framework identified in different elements of the curriculum can be the basis for recognizing, analyzing and solving individual and social problems by students.

Keywords: Thoughtful Students, Philosophical Foundations, Components and Steps, Philosophical-Educational School of Islam.

- 1. Doctoral student of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran.
- 2. Corresponding author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran Email: sobhaninejad@shahed.ac.ir
- 3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Javadinikoo, M & Sobhaninejad, M, & Rahnema, A. (2024). Explanation of the philosophical foundations of the education of thoughtful students in the philosophical-educational school of Islam in order to provide a theoretical framework. Research in Islamic education issues, 31(61), 149–174.

Publisher: Imam Hussein University **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)





تبیین مبانی فلسفی تربیت دانش آموز فکور در مکتب فلسفی - تربیتی اسلام به منظور ارائه چارچوب نظری

محمد جوادی نیکو^۱ | مهدی سبحانی نژاد^۲ | اکبر رهنما^۳

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.61.6.2

چکیده

پژوهش با هدف تبیین مبانی فلسفی و مؤلفه‌های تربیت دانش آموز فکور در مکتب فلسفی - تربیتی اسلام انجام شد. روش پژوهش تحلیلی-استنتاجی بود. نظریات دو تن از فیلسوفان و متکلمان بزرگ اسلامی یعنی علامه طباطبایی و شهید مطهری به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها مؤید آن است که مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام حاوی زمینه‌هایی چون حقیقت داشتن جهان مادی و معنوی، پدید آمدن انسان به دست حکمت و قدرت حق تعالی، مرکب از نفس و بدن بودن انسان، افضل بودن انسان بر سایر موجودات هستی، هدایت پذیری فطری انسان، درک خصوصیات فعل خدا و کشف مجهولات با عقل، فعالیت عقل نظری و عملی در انسان، مهم بودن گرایش‌های فطری در کمال انسان، حد یقف نداشتن کمال جویی انسان، مشروط بودن تسلط بر سرنوشت به استفاده از تفکر، همراهی وحی با تفکر برای پاسخگویی نیازهای مادی و معنوی انسان است. متناسب با این مبانی گام‌های چهارگانه تدبیر، تفکر، تعقل و رسیدن به مقصد برای تربیت دانش آموز فکور ترسیم شد. بهره‌گیری از چارچوب شناسایی شده در عناصر مختلف برنامه درسی می‌تواند زمینه‌ساز شناخت، تحلیل و حل مسائل فردی و اجتماعی توسط دانش آموزان شود.

کلیدواژه‌ها: دانش آموز فکور؛ مبانی فلسفی؛ مؤلفه‌ها و گام‌ها؛ مکتب فلسفی - تربیتی اسلام.

Email javadimohamad33@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
 ۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
 ۳. دانشیار رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد است.

استناد: جوادی نیکو، محمد و سبحانی نژاد، مهدی و رهنما، اکبر. (۱۴۰۲). تبیین مبانی فلسفی تربیت دانش آموز فکور در مکتب فلسفی - تربیتی اسلام به منظور ارائه چارچوب نظری، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۱(۶۱)، ۱۷۴ - ۱۴۹.

DOR: <https://dor.net/dor/20.1001.1.22516972.1402.31.61.6.2>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

در بررسی مکتب - فلسفی تربیتی اسلام، جهت انسجام بیشتر و جلوگیری از پراکندگی، سعی شده است تا بر نظریات دو تن از فیلسوفان و متکلمان بزرگ اسلامی، یعنی علامه طباطبایی و شهید مطهری تأکید گردد. قابل ذکر است که رئالیسم اسلامی و یا مکتب فلسفی واقع گرایانه منبعث از حکمت متعالیه، عنوانی است که بر فلسفه محمد حسین طباطبایی و شارح آن مرتضی مطهری گذاشته شده است (حمیدی و آزادی، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

علامه طباطبایی با مکمل دانستن خردورزی با دین داری، بر این باور است که تصلب به ظواهر دینی خطر قشری گری را به دنبال خواهد داشت و بازار خرافه را پر رونق می کند و تقلید بر کلیه شئون اجتماع اعم از اعتقادات، اخلاق، و اعمال مسلط می شود، انسانیت سقوط می کند، و بردگی در جامعه بشری رواج می یابد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ۲۹۳). علامه از پذیرش بدون دلیل و ضرورت انطباق افکار و سنن بر عقل برهانی و علم حقیقی به عنوان معیار قبول یا رد سخن گفته و بر ضرورت استماع همه اقوال و گزینش و متابعت مقرون به حق تریشان به عنوان شاخصه بهره مندی از نعمت عقل و تعقل صحیح تأکید می کند (شاکر، ۱۳۸۴، ج ۴: ۱۴۶).

مطهری تفکر را شرط اساسی تسلط بر سرنوشت خود و جامعه می داند (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۵۶) و معتقد است که در میان استعدادها، مخصوص انسان در درجه اول استعداد عقلانی است (همان: ۱۸۴). شهید مطهری می گوید: تعلیم و تربیت اسلامی به معنای طی مسیر سیر و سلوک، به رشد فکری و قدرت تعقل آدمی، اهمیت فراوان داده و برای عقل، حجیت قائل شده است (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸۹). بر این اساس هدف تعلیم و تربیت را پرورش تفکر متعلم می داند. تعقل همان تفکر است؛ نیرو و استعداد فکر کردن خود شخص تا بتواند استنباط بکند، اجتهاد بکند و رد فرع بر اصل بکند (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۰).

مطهری با استناد به آیات و روایات، چنین خصلت هایی را برای افراد برخوردار از پرورش عقلانی بر می شمرد: ۱. توانایی غربال کردن اطلاعات «قوه تشخیص» ۲. توانایی نقد کردن ۳. آینده نگری ۴. رهایی از جمود و از قید سنتها «انعطاف» ۵. استقلال در قضاوت ۶. روح علمی داشتن «جستجوی حقیقت بدور از تعصب و جمود و غرور و بی غرض (۱۳۶۳: ۳۱-۱۸).

در باب ماهیت تفکر، تعاریف زیادی وجود دارد. از بررسی تعاریف مختلف می‌توان نتیجه گرفت که تفکر در مفهوم گسترده آن به معنای جستجوی شعور و آگاهی است؛ شعوری که هم معطوف به دستیابی به معرفت موجود و ارزیابی آن و نیز معطوف به تولید معرفت جدید است. پس تفکر یک فرایند است، فرایندی که عناصر و کارکردهای مختلفی دارد. بنابراین، از تعامل عناصر مختلف و ترکیب کارکردهای متفاوت، اعمالی در ذهن شکل می‌گیرد که تفکر نامیده می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

تفکر از نگاه محبی (۱۳۹۵) به کارگیری قدرت عقلانیت در میدان عمل است. تبلور عقلانیت در ابعاد فکری افراد قابل مشاهده است. اگر فردی در امور مختلف با استدلال و منطق برخورد نماید نشانه‌ای از عقلانیت اوست. لذا تفکر ابزار عقل است. اما نباید تصور شود که استدلال مبتنی بر عقلانیت از هر نظر کامل است. زیرا استدلال مبتنی بر عقلانیت بدون ایمان و اخلاق می‌تواند در بعضی از مواقع برای خود فرد و جامعه نه تنها مفید نباشد بلکه اثرات منفی هم داشته باشد. لذا تفکر توأم با ایمان است که نتیجه آن علم، اخلاق و عمل می‌باشد (محبی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۴).

عقل قابلیت در نوع بشر است که به وسیله آن می‌تواند در مقام شناخت واقعیت‌های هستی (درک مفاهیم کلی) با روش استدلال، برخی از آن‌ها را به صورت یقین درک کند، هم‌چنین می‌تواند در مقام تبیین علی یا پیش‌بینی وقایع مشاهده‌پذیر با ابداع مفاهیم و فرضیه‌ها و ... نظریه‌های معتبر ارائه دهد. در عین حال با ارائه برنامه‌ها و روش‌های مناسب به اتکای قدرت تخیل و خلاقیت در جهت پیشبرد امور همت بگمارد (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۶۶).

بنابراین تفکر به منزله‌ی "به کار گرفتن فعالانه‌ی ذهن برای شکل دادن به ایده‌های مرتبط" است. مفهوم تفکر با مفاهیمی چون استدلال، تجزیه و تحلیل، درک و فهم، قضاوت، استنباط و استنتاج مرتبط است و اندیشیدن فرایندی است که ثمره‌ی آن دستیابی به یکی از مفاهیم مذکور باشد. به بیانی دیگر، اندیشه پروری یعنی کارکردن در خصوص هر یک از ثمرات آن از قبیل

استدلال، قضاوت و استنتاج. در واقع ثمرات یادشده، امروزه تحت عنوان ابعاد تفکر شناخته می‌شوند و دارای چهار بعد تفکر منطقی، تحلیلی، انتقادی و بالاخره خلاق می‌باشد.

بر این اساس ماهیت دانش آموز فکور در سند تحول بنیادین چنین ترسیم و توصیف شده است: تربیت انسان‌هایی موحد، مؤمن، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر، وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا، جهان‌اندیش، ولایتمدار و منتظر، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، دانا، توانا، انتخاب‌گر، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و معتقد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظم اسلامی (همان: ۲۰).

تاکنون پژوهش‌هایی در مورد پرداختن و ضرورت آموزش تفکر در مدارس انجام شده است. در این زمینه محبی (۱۳۹۵) اقدام به انجام پژوهشی با عنوان مدرسه و تربیت دانش آموز فکور نموده و در آن از ماهیت تفکر، راهبردهای توسعه مهارت‌های تفکر در مدارس بحث کرده است. ناجی (۱۳۹۲) به بررسی روح تکنولوژی مدرن و جایگاه تفکر در مدارس پرداخته و نشان داده که تکنولوژی، دانش آموزان را در مسیرهایی پیش می‌برد که آموزش تفکر در آن جای چندانی نداشته و تفکر دانش آموزان را در امور مهم زندگی شان مورد توجه قرار نمی‌دهد. و بر لزوم جایگزینی یا تجدید نظر در تکنولوژی آموزشی رایج و اهمیت برنامه‌هایی شبیه برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان اشاره می‌کند چرا که این برنامه، می‌تواند با تشکیل حلقه‌های کند و کاو، فعالیت‌های کانونی را در کلاس درس تقویت نماید و پیرامون مسائل زندگی شخصی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و فکری گفت و گو و تأمل کنند. و گریف^۱ (۲۰۱۷) در نظریه خود که برگرفته از آراء ویگوتسکی^۲ است اعلام می‌کند که آموزش تفکر از مسیر آموزش گفتگو می‌گذرد. بارون^۳ (۲۰۰۸) به مسئله چرا تفکر را آموزش دهیم؟ پاسخ داده است. از نظر او دانش آموزان باید بیاموزند که چگونه دانش از طریق تفکر فعالانه ذهن باز به دست می‌آید. چنین یادگیری همچنین

1.Wegerif
2.Vygotsky
3.Baron

به دانش آموزان یاد می‌دهد که ادعاهای نادرست دانش سیستماتیک را تشخیص دهند. گلاسر^۱ (۱۹۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "تربیت و تفکر" نقش دانش، چگونگی درک فزاینده علم روانشناسی از ماهیت تفکر انسان و حل مسئله به شیوه‌های آموزشی را که ممکن است توانایی‌های درجه بالاتر را تقویت کند مورد بررسی قرار می‌دهد.

با عنایت به نکات فوق؛ روشن است که در دنیای معاصر، سیالیت و نوزایی فرهنگ بشری به پشتوانه‌ی عواملی نظیر پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن ارتباطات گسترده جوامع شکل گرفته و علی‌رغم مطلوب بودن این پدیده، تیره‌بختی‌ها و بحران‌هایی اساسی در ابعاد هویتی، روانی، اجتماعی، زیستی و ... را رقم زده است. لذا در چنین موقعیت‌هایی چگونگی تربیت نسل‌های آینده در مواجهه‌ی با بحران‌های پیش رو در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور از اهمیت اساسی برخوردار است. البته که توجه به گزاره‌هایی چون آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای ارتقای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو در عرصه‌های مختلف، پرورش، ارتقاء و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان بر اساس نظام معیار اسلامی، نقش آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرآیند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان بر اساس نظام معیار اسلامی در سند تحول بنیادین گویای درک و دغدغه‌ی اندیشمندان و متخصصان تربیتی در برخورد با آسیب‌های مذکور می‌باشد و بر تربیت نسلی فکور در مدارس امروزی نظر دارند. اما از آنجایی که تاکنون به چارچوب نظری تربیت دانش آموز فکور و تصریح ابعاد و مولفه‌های آن به طور منسجم و هماهنگ پرداخته نشده است. در این پژوهش سعی شده است تا با تأکید بر نظریات علامه طباطبائی و شهید مطهری به عنوان دو تن از فیلسوفان و متکلمان بزرگ اسلامی، به تصویر جامع و موزونی از دانش آموز فکور با عنایت به گام‌ها و مؤلفه‌های فکری آن دست یافته شود. نوآوری پژوهش در این است که برای اول بار چارچوبی نظری در این عرصه ارائه می‌گردد که قابلیت پیاده سازی در برنامه درسی و آموزش را دارد.

1. Glaser

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر تحلیلی - استنتاجی بود به طوری که مبانی فلسفی تربیت دانش آموز فکور از دیدگاه مکتب فلسفی - تربیتی اسلام مورد شناسایی قرار گرفت و بر اساس مبانی شناسایی شده گام‌ها و مؤلفه‌ها استخراج گردید. به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخ به مسئله پژوهش، منابع موجود و مرتبط در قلمرو دیدگاه‌های علامه طباطبائی و شهید مطهری با استفاده از برگه‌های فیش‌برداری از منابع، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. کیفیت تحلیل بدین صورت بود که در گام اول اطلاعات موجود در محیط پژوهش (نمونه پژوهش) چند بار مطالعه شد و سعی گردید به درک عمیقی از آن‌ها رسید. در گام دوم کلیدواژه‌ها و عبارات مناسب برای جستجوی هدفمند مشخص شدند. در گام سوم مضامین خام ذیل خوشه مبانی فلسفی تربیت دانش آموز فکور استخراج گردیدند. پردازش و ترکیب داده‌ها ذیل مبانی به دست آمده گام چهارم بود. در گام پنجم اقدام به استخراج گام‌ها و مؤلفه‌ها از مبانی فلسفی برای تربیت دانش آموز فکور شد این گام از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفت. گام ششم نیز تنظیم و ویرایش نهایی مربوط به مبانی فلسفی و گام‌ها و مؤلفه‌ها بود.

سؤالات پژوهش

- ۱- مبانی فلسفی تربیت دانش آموز فکور در مکتب فلسفی - تربیتی اسلام چیست؟
- ۲- چارچوب نظری گام‌ها و مؤلفه‌های تربیت دانش آموز فکور در مکتب فلسفی - تربیتی اسلام چگونه است؟

یافته‌های پژوهش

هستی‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلامی از منظر علامه طباطبائی

جهان هستی چه از نظر رابطه علت و معلول، چه از نظر محدوده تصرفات و چه از نظر مالکیت عین ربط و احتیاج به پروردگار عالم می‌باشند و حرکت تکاملی کل عالم به سمت خداوند است. آری این عالم فی نفسه جز محض حاجت و صرف فقر به خدای تعالی چیز دیگری نیست، در ذات و صفات و احوالش و با تمام وجودش محتاج خداست و احتیاج بهترین کاشف از وجود

محتاج الیه است. با این حال هیچ موجودی پس از پدید آمدنش نیز از پدیدآورنده خود بی‌نیاز نیست و هر لحظه وجودش را از خدای تعالی اخذ می‌کند و تا وقتی باقی است که از ناحیه او به وی افزوده وجود بشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۴). جهان آفرینش دارای عوالم و مراتب مختلف می‌باشد که پایین‌ترین مرتبه آن، عالم مادی است. پس از عالم ماده، عوالم مثال و عقل وجود دارند که عالم عقل نزدیک‌ترین مرتبه به ذات حق می‌باشد. هر یک از این عوالم دارای مشخصات و قوانین خاصی است (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۳۹).

جهان مادی از نظر وجودی مسبوق به عوالم دیگری است که ارتباطش با آن عوالم به نحو علیت و معلولیت بوده تا اینکه سلسله موجودات به حق اول و خداوند سبحان منتهی گردد. قرآن در عین اینکه حوادث مادی را به علل مادی نسبت می‌دهد به خدا هم منسوب می‌دارد و بیان می‌کند که اسباب وجودی، سببیت خود را از خود ندارد، و مستقل در تأثیر نیستند، بلکه مؤثر حقیقی و به تمام معنای کلمه کسی جز خدای تعالی نیست و هر چیزی مملوک محض برای خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۳).

هستی‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلامی از منظر شهید مطهری

جهان‌بینی اسلامی جهان‌بینی توحیدی است. از نظر اسلام خداوند مثل و مانند ندارد: لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ (شوری/۱۱). خداوند بی‌نیاز مطلق است، همه به او نیازمندند و او از همه بی‌نیاز است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر/۱۵). خدا به همه چیز آگاه و بر همه چیز تواناست: إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (شوری/۱۲) ... أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حج/۶). از نظر جهان‌بینی توحیدی اسلامی، جهان یک آفریده است و با عنایت و مشیت الهی نگهداری می‌شود.... جهان به باطل و بازی و عبث آفریده نشده است؛ هدفهای حکیمانه در خلقت جهان و انسان در کار است؛ هیچ چیزی نابجا و خالی از حکمت و فایده آفریده نشده است. نظام موجود، نظام احسن و اکمل است. جهان به عدل و به حق برپاست. نظام عالم بر اساس اسباب و مسببات برقرار شده است و هر نتیجه‌ای را از مقدمه و سبب مخصوص خودش باید جستجو کرد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۸۷-۸۶).

القبای خداشناسی این است که او خدای همه‌ی عالم است و با همه اشیاء نسبت مساوی دارد. همه اشیاء بدون استثناء مظهر قدرت و علم و حکمت و اراده و مشیت اویند و آیت و حکایت کمال و جمال و جلال او می‌باشند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۸۴).

شهید مطهری، که از رئالیست‌های اسلامی است، معتقد است اشیای مستقل از ما وجود دارند که بعضی از طریق حواس در ذهن تأثیر می‌کنند و ذهن به درک آنها نائل می‌شود و بعضی هم توسط عقل شناخته می‌شود؛ همچنین معتقد بودند غیر از جهان مادی حقایقی نیز هست که بهره آنها از واقعیت کمتر از مادیات نیست (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

انسان‌شناسی مکتب فلسفی- تربیتی اسلام از منظر علامه طباطبایی

در دیدگاه اسلامی عقل از مهم‌ترین شئون وجودی نفس و معادل تمام حقیقت انسان است؛ چرا که انسان برخوردار از نیروی تعقل و تفکر می‌تواند رابطه‌ای تسخیری با اشیا برقرار نموده و احاطه نسبی بر حوادث بیابد و از گذر عقل و علم به تکامل اختصاصی خویش دست یازد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۵۲). ساحت اراده نیازمند ساحت ادراکی و عقلانی انسان است؛ چرا که انتخاب بدون ادراک معنا نداشته و اراده نیز بدون شعور تجلی ندارد. انسان ذاتاً فاعل مختاری است که ارزش عمل او افزون بر دارا بودن حسن فعلی و فاعلی، ناشی از اختیار او و تحت ساختار چهار جزئی مبادی فعل اختیاری (علم، شوق، اراده و نیروی محرکه) است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

البته یکی از ویژگی‌های که انسان مورد نظر رئالیست‌های اسلامی دارد هدایت فطری است. بر این اساس انسان از راه الهام تکوینی و هدایت فطری با یک سلسله معلومات و افکاری مجهز است که در زندگی سعادت او را تأمین می‌کنند و به وسیله آن با جریان کلی آفرینش هماهنگ و همسو می‌شوند و هیچ‌گونه تضاد و برخوردی با حرکت عمومی و کمال هستی پیدا نمی‌کند تا از مسیر کمالی خود منحرف شده و به ورطه هلاکت بیفتند. و با آن الهام، اعتقاد به حق و عمل صالح را تشخیص می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۵). نهایتاً اینکه انسان موجودی است که بر سایر موجودات تکریم و تفضیل شده است. خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰)، ما فرزندان آدم

را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. از نظر علامه طباطبایی تکریم انسان به نعمت عقل است که به هیچ وجه به موجود دیگری داده نشده است. و انسان با عقل، نیک را از بد و خیر را از شر تشخیص می‌دهد و مسائل دیگری مانند نطق، خلط، تسلط و تسخیر موجودات دیگر بر عقل انسان متفرع می‌شود و تفصیل انسان به این است که از نعمت‌هایی که به دیگر موجودات داده شده، سهم بیشتری دارد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۱۵۶).

انسان‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام از منظر شهید مطهری

انسان از منظر شهید مطهری واجد یک حقیقت دو مرتبه‌ای و دو درجه‌ای است. مرتبه‌ای خاکی و حیوانی و دانی و مرتبه‌ای دیگر علوی و ملکوتی؛ دارای دو «من» و دو «خود»؛ خود اصلی و واقعی انسان، خود ملکوتی اوست. خود خاکی تنها وسیله و مقدمه و مرکبی است برای خود ملکوتی او؛ کارها تا حدودی که صرفاً محدود می‌شود به خود خاکی او، عادی و مبتذل است و آنجا که با خود متعالی او سر و کار دارد و از انگیزه‌های معنوی او سرچشمه می‌گیرد ارزش و قداست و تعالی پیدا می‌کند. وی معتقد است که این دو خود انسان نمی‌تواند اصیل باشد؛ بلکه خود واقعی و یک خود پنداری «ناخود» است، ولی انسان آن ناخود را خود واقعی فرض کرده؛ خود پنداری را باید میراند تا خود حقیقی و اصیل از پشت پرده‌ها ظاهر شود (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۴۰۴).

انسان به حکم این که از یک جوهر ماورائی روحی برخوردار است، دارای اراده و آزادی است. می‌تواند خود را از جبر محیط و جبر اجتماع و جبر طبیعت حیوانی خود تا حدود زیادی رها سازد؛ به همین دلیل مسئول خویش و جامعه خویش است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۳ - ۵۰). اراده مختص وجود انسان است هم دوش و همراه عقل است؛ انسان می‌تواند متحرک بالاراده باشد ولی گاهی هم متحرک بالاراده نیست و متحرک بالشوق و الميل است میل در انسان همان کششی است به سوی یک شیء ای خارجی مثل میل به مأكولات، میل به استراحت، میل جنسی، میل به کمک به دیگران؛ ولی اراده مربوط به درون انسان است نه بیرون؛ یعنی انسان درباره‌ی کارها اندیشه کرده و آن‌ها را محاسبه می‌کند، با دور اندیشی و عاقبت اندیشی و با در نظر گرفتن

مصلحت‌ها و مفسده‌ها توسط عقل اصلح را تشخیص می‌دهد؛ آن وقت اراده می‌کند و به فرمان عقل عمل می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۲: ۴۱۳).

انسان در باطن ذات خود حقیقتی دارد که حقیقت اصلی ذات اوست. او همان چیزی است که قرآن از او به بیان «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر/۹) تعبیر می‌کند؛ یعنی یک حقیقتی است نه از سنخ ماده و طبیعت بلکه از سنخ ملکوت و قدرت، و از سنخ عالمی دیگر است به آن خود توجه کردن، یعنی حقیقت انسانیت خویش را دریافتن و شهود کردن. وقتی انسان به خود واقعی خود توجه کند آن را به عنوان حقیقت محض در می‌یابد. چون جوهر او جوهر حقیقت است. ایشان چنین می‌گویند که من واقعی انسان از جنس حقیقت، قدرت و ملکوت، علم، نور، حریت و آزادی و قداست است؛ پس دارای همین صفات هم است. چون با صفات متضاد آن‌ها ناسازگار است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۶۶۱ - ۶۶۰).

مطهری بر آن است که بدون شک تعلیمات اسلامی بر اساس قبول یک سلسله فطریات است. یعنی همه‌ی آن چیزهایی که امروز مسائل انسانی و ماوراء حیوانی نامیده می‌شوند و اسم آن‌ها را «ارزش‌های انسانی» می‌گذاریم، از نظر معارف اسلامی ریشه‌ای در نهاد و سرشت انسان دارند؛ اصالت انسان و انسانیت واقعی انسان در گرو قبول فطریات است (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۳: ۴۶۸ - ۴۶۶).
مطهری با اتکای به این آیه در باب خلقت انسان «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِمَا» چنین می‌نویسد: انسان را از نطفه‌ای آفریدیم که در آن مخلوط‌ها و مشجج‌های زیاد و به تعبیر امروز، در ژن‌های او استعداد‌های زیادی هست، سپس به مرحله‌ای از کمال می‌رسد که او را لایق و شایسته‌ی تکلیف و آزمایش و امتحان و نمره دادن قرار می‌دهیم. بنابراین از این بیان قرآن معلوم می‌شود که «کمال انسان» به دلیل همین امواج بودن با «کمال فرشته» فرق می‌کند (مطهری، ۱۳۹۱: ۴۰).

معرفت‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام از منظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی قائل به تصور فطری بالفعل مقدم بر حس و تجربه در آدمی نیست و چنین می‌گوید: تأمل در حال انسان و آیات کریمه قرآنی نشان می‌دهد که پایه علوم نظری، یعنی علم به خواص اشیا و معارف عقلی سابق بر آن از حس آغاز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۰۹).

علامه طباطبایی معتقد است که عقل قادر به درک خصوصیات فعل خدا و کشف مجهولات می‌باشد. چرا که در صورت نداشتن چنین قدرتی، در قرآن کریم امر به تعقل، تذکر، تفکر، تدبیر و امثال آن نمی‌شد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۷۱). طبق نظر ایشان خداوند انسان را به طور جلی مدرک حق و باطل در نظریات و خیر و شر و منافع و مضار در عملیات قرار داده است. خداوند او را به گونه‌ای آفریده است که اول خودش را درک می‌کند. خداوند او را به حواس ظاهره مجهز کرده است که ظواهر اشیا را درک می‌کند و با حواس باطنه معانی روحی مانند اراده، حب، بغض، رجا، و خوف را درک می‌کند که نفسش را با اشیا خارج مرتبط می‌کند و بعد با ترتیب، تفصیل، تخصیص، و تعمیم در ادراکات تصرف می‌کند و در نظریات حکم نظری و در عملیات حکم عملی جاری می‌کند، تمام این‌ها بر مجاری جاری است که فطرت اصلی آن را مشخص می‌کند و این مجاری همان عقل است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۴۹).

علامه طباطبایی معتقد به سلسله مراتبی بودن معرفت بوده و بر آن باور است که فرایند شناخت با تجربه آغاز می‌شود؛ چنانکه همه ادراکات نیز به حواس ختم می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۹۶). همچنین معتقد است که شناخت در نهایت، فرایندی عقلانی است و در این باره چنین می‌گوید: مشاهدات ما، بی تکیه بر استدلال و برهان، نه ارزشی دارد و نه مفید کلیت و قانون است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

معرفت‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام از منظر شهید مطهری

شهید مطهری در مورد شناخت تعقلی نوشته است که این شناخت از ظواهر به باطن نفوذ می‌کند، روابط نامحسوس را درک می‌کند، علیت و معلولیت محسوس نیست توالی اشیا محسوس است ولی علیت و معلولیت نیست. بزرگ‌ترین عمل شناسایی ذهن بشر، عملی است که قرآن نام آن را "آیه" نهاده است. بیشتر معلومات بشر داخل در آن مقوله‌ای از معرفت‌شناسی است که قرآن نام آن را "شناخت از آیه به ذی الایه" دانسته است. بعد از مرحله احساس و شناخت سطحی این خود ذهن است که در درون خودش این احساس را به مرحله تعقل می‌رساند. شناخت احساسی و شناخت سطحی را به مرحله شناخت منطقی و عمقی بالا می‌برد. ذهن در درون خودش یک نوع عملیاتی را انجام داده است که شناخت سطحی تبدیل به شناخت منطقی و عمقی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۳: ۴۰۰).

شهید مطهری معرفت حقیقی را واجد دو شرط می‌داند: ۱. وجود علم و صورت ذهنی و مطابقت با واقع که به پیروی از دیگر فلاسفه، علوم را در دو قسم حضوری و حصولی دسته‌بندی نموده و علم حضوری را علمی بی واسطه و علم حصولی را علمی با واسطه صور ذهنی می‌داند. و معتقد است که در علم حضوری، خود واقعیت نزد عالم حاضر است نه صورت آن و به این دلیل، خطاناپذیر است؛ ولی در علم حصولی، صورتی از واقع نزد عالم وجود دارد (صورت ذهنی)، پس ممکن است خطا یا صواب و حق باشد (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۸). ۲. در علوم حضوری، مطابقت و عدم مطابقت مطرح نیست و این مسئله سالبه به انتقای موضوع است و جایگاه آن بحث مطابقت و عدم مطابقت در علوم حصولی است. علوم حضوری، علوم حق و صواب و عین واقع هستند و تعبیری مثل مطابق و صادق در آنها مسامحی و بیانگر خالی بودن از خطا و غلط است؛ پس یکی از مصادیق معرفت حقیقی، معرفتی است که عین واقع باشد نه مطابق با واقع و تعریف معرفت حقیقی به علم مطابق با واقع مربوط به علوم حصولی است، نه مطلق علم (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۹ - ۴۸).

منابع شناخت از دیدگاه اسلام عبارتند از: طبیعت و به طور کلی جهان یا آیات آفاقی، خود انسان یا آیات انفس، تاریخ یا سرگذشت اجتماعی اقوام و ملل به عنوان آئینه عبرت، آثار کتبی گذشتگان در علوم، رشته‌ها و موضوعات مختلف. به لحاظ اینکه شناخت‌شناسی اسلامی مبتنی بر واقعیت علم و آگاهی و نیز توانایی‌های انسان برای شناختن است، در این دیدگاه انسان به حکم روح حقیقت‌جویی خود علم و حکمت را در هر کجا و نزد هر کسی که باشد باید بیاموزد. معلم و متعلم مشترکاً بایستی تلاش کنند تا به این هدف ارزنده تربیتی یعنی شناخت خود، جامعه، هستی و از طریق آن به شناخت وجود باری تعالی، عینیت بخشند و به وظایف و مسئولیت‌های خود در برابر خویش، جامعه و جهان عمل کنند و به پرستش حق تعالی بپردازند (مطهری، ۱۳۶۸: ۶۱).

ارزش‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام از منظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی قلمرو ارزش‌ها را ادراک‌های عملی یا اعتباری می‌داند. طبق نظر علامه طباطبایی نظریه اعتباریات ناظر به انسان و همه حیوانات است (طباطبایی، ۱۳۶۲: ب۱۲۳). علامه در مورد رفع غایات موجودات مشمول این نظریه چنین می‌گوید: انسان یا هر موجود زنده دیگر (به اندازه شعور غریزی خود) در اثر احساسات درونی خویش که مولود یک سلسله احتیاجات وجودی مربوط به ساختمان ویژه‌اش است، یک رشته ادراکات و افکاری می‌سازد که بستگی

خاصی به احساسات مزبور دارد و به عنوان غایت، احتیاجات نام برده را رفع می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۶۲ الف: ۱۵۷). علامه طباطبایی افعال اختیاری انسان را افعالی می‌داند که بر علم و آگاهی مبتنی هستند (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۸۱). به عبارتی هر فعل ارادی با اندیشه انجام می‌یابد و چون هر فعل ارادی برای غایت و منظوری انجام می‌شود، انسان باید به غایت فعل خود آگاه باشد، پس انسان در کارهایی که به صورت ارادی انجام می‌دهد، باید به خود آن افعال و به غایت و نتیجه‌ای که از آن افعال عایدش می‌شود، آگاه باشد. طبق نظر علامه طباطبایی، ارزش‌ها، مولود یا طفیلی احساساتند که مناسب قوای فعالند و از جهت ثبات و تغییر و بقاء و زوال، تابع آن احساسات درونی‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۸). به عبارتی ارزش‌ها نمی‌تواند مستقل از بشر باشند.

علامه طباطبایی عقل را معیار ارزش اخلاقی می‌داند و چنین می‌گوید:

خواسته‌ها و نیازهای قوا و جهازات انسانی، عامل اصلی پیدایش این قضایای علمی و قوانین اعتباری می‌باشد. البته منظور از حوایج و نیازهای مزبور، آن خواسته‌ها و تمایلاتی است که انسان به مقتضای غرایز خود، آنها را طلب می‌کند و مورد تصدیق عقل، که تنها قوه‌ای است که خیر و شر و سود و زیان را تشخیص می‌دهد، واقع شود؛ نه آن تمایلاتی که مورد تصدیق عقل واقع نمی‌شود. زیرا بر آوردن آنها مایه کمال حیوانی است نه کمال انسان (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۹۲).

علامه طباطبایی ثبات و تغییر اعتباریات را تابع احساسات می‌داند. چنین قاعده‌ای در موارد بسیاری صادق است؛ یعنی با تغییر احساساتی که باعث می‌شود اعتباری ایجاد شود، اعتبار هم لغو می‌شود؛ از سوی دیگر علامه با اشاره به ویژگی‌های تغییرناپذیر طبیعت آدمی، ثبات اعتباریات ناشی از این ویژگی‌ها را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۴۶). علامه هدف نهایی زندگی انسان را بندگی خداوند دانسته و در این باره چنین می‌گوید: از نظر اسلام، هیچ هدفی برای آفرینش انسان و زندگی او نیست، جز ایمان و توحید خداوند متعال در مرحله‌ی اعتقاد و عمل؛ یعنی اسلام کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی انسان را در اعتقاد به خدایی می‌داند که همه‌ی پدیده‌ها و موجودات را آفریده و بازگشت همه به سوی اوست. پس از تحصیل چنین ایمان و اعتقادی، همه‌ی اعمالش حاکی از بندگی او به خداوند متعال است؛ در این صورت، توحید در ظاهر و باطنش رسوخ کرده، خلوص در عبودیتش در گفتار و کردارش ظاهر می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۰۷).

ارزش‌شناسی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام از منظر شهید مطهری

شهید مطهری با تفکیک ادراکات به حقیقی و اعتباری چنین می‌گوید: ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی است... ادراکات حقیقی را می‌توان در براهین فلسفی یا علمی، طبیعی یا ریاضی، جا داد و نتیجه علمی یا فلسفی گرفت و همچنین می‌توان از یک برهان فلسفی یا علمی یک ادراک حقیقی تحصیل نمود. ولی در مورد اعتباریات نمی‌توان چنین استفاده‌ای کرد و به عبارت دیگر ادراکات حقیقی ارزش منطقی دارد ولی ادراکات اعتباری چنین نیستند. ادراکات حقیقی تابع احتیاجات طبیعی موجود زنده و عوامل مخصوص محیط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاجات طبیعی و عوامل محیط تغییر نمی‌کند. اما ادراکات اعتباری تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است و تابع تغییر آن‌ها است. ادراکات حقیقی قابل تطور و نشو و ارتقا نیست و اما ادراکات اعتباری یک سیر تکاملی و نشو و ارتقا را طی می‌کند. ادراکات حقیقی، مطلق و دائم و ضروری است ولی ادراکات اعتباری نسبی و موقت و غیرضروری است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۴۴ - ۱۴۳). شهید مطهری چنین تمیز و تفکیکی را بسیار لازم و ضروری و عدم تفکیک آن‌ها از یکدیگر را بسیار مضر و خطرناک می‌داند (همان، ج ۲: ۱۴۴).

مطهری معتقد است که می‌توان همه‌ی ارزش‌ها را در یک ارزش خلاصه کرد و آن، درد داشتن و صاحب درد بودن است. چرا که انسان حقیقتی است که از اصل خود جدا شده و دور مانده و از دنیای دیگر برای انجام رسالتی آمده است و این دورماندگی از اصل است، که در او شدت و عشق و ناله و احساس غربت آفریده است. درد انسان طبق مکتب اسلام فقط درد خداست، درد دوری از حق است و میل او میل بازگشت به قرب حق و جوار رب العالمین است و انسان به هر مقام و کمالی برسد باز احساس می‌کند که به معشوق خود نرسیده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۰ - ۷۹).

آزادی، یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است و به تعبیر دیگر جزء معنویات انسان است. آزادی برای انسان، ارزشی مافوق ارزش‌های مادی است. اما آزادی تنها ارزش نیست، ارزش دیگر عدالت است، ارزش دیگر حکمت است، ارزش دیگر عرفان است. آزادی، یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۸).

برترین نوع آزادی، آزادی معنوی است. چنان که این نوع آزادی در انسان نباشد، انسان به دیگر انواع آزادی نائل نخواهد شد. اما آن چه مقدم بر این هاست، نجات انسان از خودی خود و از نفس اماره‌ی خود است، تا انسان از خود محدود خودش نجات پیدا نکند، هرگز از اسارت طبیعت و اسارت انسان‌های دیگر نجات پیدا نمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۸).

جدول ۱. وجوه کلی مکتب فلسفی - تربیتی اسلام ذیل تربیت دانش‌آموز فکور

دیدگاه علامه طباطبایی	دیدگاه شهید مطهری	مبانی فلسفی مکتب تربیتی اسلامی
جهان مادی و معنوی هر دو حقیقت دارند.	جهان مادی و معنوی هر دو حقیقت دارند.	هستی‌شناسی
عقل انسان قادر به درک خصوصیات فعل خدا و کشف مجهولات می‌باشد. فعالیت عقل انسان در دو حیطه نظری و عملی انجام می‌شود.	عقل انسان قادر به درک خصوصیات فعل خدا و کشف مجهولات می‌باشد. فعالیت عقل انسان در دو حیطه نظری و عملی انجام می‌شود.	معرفت‌شناسی
کمال انسان در گرو کسب فضایل و دوری از رذایل و تقویت گرایش‌های فطری است. کمال‌جویی انسان حد یقف ندارد. تفکر شرط اصلی تسلط بر سرنوشت خود و جامعه است. تفکر بریده از وحی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان باشد.	کمال انسان در گرو کسب فضایل و دوری از رذایل و تقویت گرایش‌های فطری است. کمال‌جویی انسان حد یقف ندارد. تفکر شرط اصلی تسلط بر سرنوشت خود و جامعه است. تفکر بریده از وحی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان باشد.	ارزش‌شناسی
انسان موجودی است که به دست حکمت و قدرت حق تعالی پدید آمده است. انسان مرکب از نفس و بدن است. انسان موجودی است که بر سایر موجودات هستی افضل است. انسان از راه هدایت فطری به یک سلسله معلومات و افکاری مجهز است که سعادت او را تأمین می‌کنند. عقل از جمله ابعاد وجودی و سرشتی انسان است.	انسان موجودی است که به دست حکمت و قدرت حق تعالی پدید آمده است. انسان مرکب از نفس و بدن است. انسان موجودی است که بر سایر موجودات هستی افضل است. انسان از راه هدایت فطری به یک سلسله معلومات و افکاری مجهز است که سعادت او را تأمین می‌کنند. عقل از جمله ابعاد وجودی و سرشتی انسان است.	انسان‌شناسی

چارچوب نظری گام‌ها و مولفه‌های تربیت دانش آموز فکور

در بررسی اهداف تعلیم و تربیت در اسلام مشاهده می‌شود که بیشترین تأکید بر اهداف عقلانی و پرورش بعد عقلانی است؛ و این علاوه بر ارزش ذاتی عقل، به گستردگی حوزه تأثیرگذاری جنبه عقلانی آدمی بر دیگر جنبه‌های او بر می‌گردد. در قرآن کریم و در آیات ۵۰ سوره انعام «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»، ۲۱۹ سوره بقره «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» و ۸ سوره روم «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا» سرزنش‌های مکرری بر ترک تفکر شده است، همه این تعبیرات دعوتی است به لزوم اندیشه و لزوم اندیشه دلیلی بر امکان شناخت می‌باشد. البته هدف از نزول قرآن که مهم‌ترین پیام اسلام است نیز تفکر اعلام شده است.

این اعلام در آیه ۲۹ سوره ص «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» و آیه ۲۴ سوره محمد «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» ذکر شده است.

پرورش روح قدرشناسی از مقام عقل و دانش، و به تبع آن ارتقای منزلت اجتماعی دست اندرکاران حوزه علم و معرفت، همواره از اهداف مهم تربیتی در اسلام دانسته شده است؛ و این به دلیل نقشی است که اینها به عنوان پیش‌نیازهای پرداختن به عقل و عقلانیت و نهایتاً توسعه رفتارهای عقل محور و دانش بنیان ایفا می‌کنند (صفایی مقدم، رشیدی، پاک سرشت، ۱۳۸۵: ۱۶۱). در رئالیسم اسلامی، فکر مرتبی حول محور خداوند می‌چرخد و سعی بر آن است که با تأکید بر ایمان و عمل، مرتبی را در مسیر تعالی قرار دهد. بر اندیشه، رفتار، روح و جسم انسان تمرکز می‌گردد و متعادل و متوازن بار آوردن دانش آموزان و تحقق بخشیدن به استعدادها بالقوه آنان را مدنظر قرار می‌دهد. به دلیل پرتو افکنی قرب الهی بر سایر انگیزه‌های آدمی، ایمان گروهی و رهایی از انگیزه‌های مادی و معنوی بر همه چیز مستولی می‌گردد. مطلق‌گرایی، حقیقت‌گرایی، عقل‌گرایی، پذیرش اصل علیت و پذیرش فراروایت‌ها، از مهمترین خصایص این نوع نگرش است که در نظام تربیتی و فکری مبتنی بر این نوع مکتب فلسفی نمایان می‌گردد. دو ویژگی اساسی انسان در این دیدگاه، عقل (علم) و ایمان است که تأکیدات فراوانی بر رشد قدرت عقلانی و تفکر انسانی را داشته است. همچنین آموزش‌های معنوی و اخلاقی را به دنبال داشته است. اکنون با عنایت مطالبی که آمد می‌توان عمده‌ترین گام‌ها و مؤلفه‌های مبنی تربیت دانش آموز فکور را به شرح ذیل طبقه بندی نمود:

جدول ۲. گام ها و مؤلفه‌های استخراج شده ذیل الگوی تربیت دانش آموز فکور

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مقدمات و مقومات و تدبر	آزادی	اگر به مردم در مسائلی که باید در آن‌ها فکر کنند از ترس اینکه مبدا اشتباه کنند، به هر طریقی آزادی فکری ندهیم یا روحشان را بترسانیم، این مردم هرگز فکرشان در مسائل رشد نمی‌کند و پیش نمی‌رود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۳۹۱).
	علم‌آموزی	شرط تفکر، علم‌آموزی است. اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد یا ماده خامش کم است که قهراً نمی‌تواند کار بکند یا محصولش کم خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۵).
	برخورد با طبیعت و واقعیت‌های عینی	انسان بعد از اینکه به پدیده‌ها نظر و نگاه کرد و در آن‌ها ملاحظه و مذاقه نمود می‌گوید چگونه آفریده شده‌اند؟ لذا به دنبال و جستجوی خالق آن می‌گردد. برخورد حسی با پدیده‌های عینی و فیزیکی انسان را به تفکر وامی‌دارد. حرکت و سیر در زمین و شنیدن و دیدن قراء و خرابی‌ها و هلاکت اقوام باعث تفکر می‌شود (حجج/۱۸، ملک/۴-۳).
	نگاه به ویژگی‌های ظاهری و باطنی انسان	آیات و نشانه‌هایی که در نفوس خود بشر هست چند جور است. یک عده آیات موجود در خلقت انسان مربوط به طرز ترکیب‌بندی اعضای بدن و قسمت‌های مختلف اجزای آن اعضا و اجزای اجزا است، تا برسد به عناصر بسیط آن. و نیز آیاتی در افعال و آثار آن اعضا است که در همه آن اجزا با همه کثرتش اتحاد دارد و در عین اتحادش احوال مختلفی در بدن پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۵۶۱-۵۶۰).
	بررسی خلقت انسان	نفس مؤمن طریق و مسیری است که او را به سوی پروردگارش سیر می‌دهد و این همان راه هدایت او و راهی است که او را به سعادتش می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۹-۱۷۷).
	تأمل در ضمیر و نفس انسان	ضمیر و نفس مؤمن طریق و مسیری است که او را به سوی پروردگارش سیر می‌دهد و این همان راه هدایت او و راهی است که او را به سعادتش می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۹-۱۷۷).

جدول ۲. گام ها و مؤلفه‌های استخراج شده ذیل الگوی تربیت دانش آموز فکور

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	توجه به مراحل تکون انسان	یکی از مؤلفه‌های تفکر، تأمل در مراحل تکوین انسان است (حج/۵).
تفکر	تشخیص و تجزیه و تحلیل مجهول	انسان برای شناختن، به نوعی تجزیه و تحلیل و گاهی به انواع تجزیه و تحلیل نیاز دارد. تجزیه و تحلیل کار عقل است. تجزیه و تحلیل عقلی، دسته بندی کردن اشیاء در مقوله های مختلف است. این کار با تجزیه صورت می گیرد و همچنین است ترکیب کردن به شکل خاصی که منطبق عهده دار کارهای تحلیلی و ترکیبی است (مطهری، ۱۳۹۷: ۳۹).
	جمع آوری معلومات	قرآن کریم خدا را از جنبه معلومات بشری به می شناساند، نه از جنبه منفی آن و هیچگاه به مواردی که گمان می رود نظمی بهم خورده، برای اثبات توحید استشهاد نمی کند، بلکه به مواردی استشهاد می کند، که مردم مقدمات و علل طبیعی آنها را می دانند و خود همین نظم را به گواهی می گیرد (مطهری، ۱۳۹۷: ۳۰-۲۸).
	هماهنگی بین معلومات در راستای رفع مجهول	اول ذهن می رود سراغ جزئیات، بعد از بررسی چند مورد یک فرضیه برای ذهن پیدا می شود، این فرضیه عین بررسی آن جزئیات نیست بلکه تفسیری است از ذهن درباره آن جزئیات (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۳: ۳۵۹).
تعقل	مصلحت اندیشی	انسان در شاهره زندگی، باید روش تعقل پیش گیرد، نه روش احساس و عاطفه را؛ زیرا انسان می تواند با این نیرو خیر و شر و نفع و ضرر واقعی را بسنجد و در صورتی که مطابق مصلحت واقعی اش باشد، تصمیم به انجام آن گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۹۲ - ۸۹).
	واقع بینی	یکی از مصادیق معرفت حقیقی، معرفتی است که عین واقع باشد (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۹ - ۴۸).
	تزکیه	انسان با معیار قرار دادن تزکیه و رهایی یافتن از تعلقات مادی به برخی از علوم دست می یابد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۴۲۸).

جدول ۲. گام ها و مؤلفه‌های استخراج شده ذیل الگوی تربیت دانش آموز فکور

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	نورانیت	عقل نور است و برای هدایت شدن در وجود انسان قرار داده شده است. علم هم باید نور باشد؛ یعنی دانستی‌ها و معلومات درباره اموری باشد که دانستن آن برای رشد و کمال انسان ضروری است (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۸۳).
	نقادی	قرآن تبعیت از عادات و سنن غلط تیاکان را بارها نکوش کرده و درباره کسانی که عقاید گذشتگان خود را بدون نظر و تحقیق می‌پذیرند و اندیشه خود را به کار نمی‌گیرند می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانُوا آبَائِهِمْ لَوْ لَا يَعْقلُونَ شَيْئًا وَآلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/۱۷۰).
	استفاده از آراء و نظرات دیگران	لازمه رشد فکری، حضور و ویژگی نظیر باز بودن در نتیجه‌های فکری، گستردگی افق اندیشه، گشودگی فضای اندیشه و نیز انعطاف‌پذیری روحی است تا بر مبنای این خصوصیات، فرد توانایی بررسی اندیشه‌های گوناگون در خود را برای آن، آماده کنیم. چنین آماده‌سازی ذهنی، یک پیش‌شرط برای بررسی افکار و اندیشه‌های گوناگون است (زمر/ ۱۸).
رسیدن به مقصد	عبودیت	قرب الهی و نزدیک شده به کانون بی‌منت‌های هستی استلزاماتی را می‌طلبد که تأمل در آفاق و انفس و پذیرش عبودیت و مملوکیت الله از آن جمله است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۳). در قرآن عبودیت و رشد در آن توصیه شده و از وجود عقل در نهاد انسان به عنوان یکی از بهترین طریق برای رسیدن به عبودیت اذعان گردیده است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۵۰۹).

چارچوب نهایی مستخرج از مکتب رئالیسم اسلامی، بدین شرح است که مرکز دایره مختص به تربیت دانش آموز فکور بوده و اطراف آن را سه لایه احاطه نموده است. دو لایه اول بیانگر کدهای انتخابی می‌باشد که مراحل و گام‌های فکور شدن دانش‌آموز را ترسیم کرده است. لایه چهارم و در واقع دورترین دایره از مرکز این چارچوب مبانی فلسفی تربیت دانش‌آموز فکور را

بیان می‌کند. در واقع مبانی فلسفی دانش آموز فکور، منبع استخراج گام‌ها و مؤلفه‌ها قرار گرفته است. مهم‌ترین ویژگی چارچوب معرفی شده آن است که تفکر از تدبیر در طبیعت و خود انسان شروع می‌شود و باعث می‌گردد دانش آموز با ظرفیت، ابعاد وجودی، رابطه با هستی و مهم‌تر از همه هویت اصیل خود آشنا شده و پیوند بخورد. به طور کلی منظور از تدبیر این است که مواد خام و ابزارهایی برای تفکر وجود داشته باشد تا دانش آموز از کاوش‌های سطحی خود را شروع کند و احوالات خود را مورد مطالعه قرار دهد. مرحله دوم الگو تفکر است. مراد از تفکر گام دوم این است که دانش آموز ابزارها و مواد خام را گزینش کند و آن‌هایی را که برای پاسخ به مجهولاتش لازم است را اخذ کند. در این سپس نوبت به مرحله تعقل می‌رسد. تعقل همان سنجش، ارزیابی کردن و مقایسه راه‌های پیش رو است. اگر تعقل در تفکر نباشد آن تفکر محکوم و ابتر خواهد بود و تحت تأثیر عواملی مانند احساسات، تلقین و تقلید قرار خواهد گرفت. ملاک تعقل هم این است که استعدادها و ظرفیت‌های انسان را افزایش دهد. این تعقل می‌تواند فکر را از عوامل مزاحم آزاد کند و نتیجه مطلوبی را ارائه دهد. علامه طباطبایی در خصوص تعقل معتقدند که عقل به معنای آن حقیقتی است که درون آدمی است و به وسیله آن بین صلاح و فساد، حق و باطل و راست و دروغ فرق گذاشته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۱۱-۶۱۰). چارچوب تربیت دانش آموز فکور بیانگر آن است که دانش آموز فکور کسی است که تمامی شئون آن، حول محور خداوند و در جهت این غایت متعالی است؛ خردورزی را لازمه زندگی خود قرار داده است و تمامی باورهایش ناشی از تعقل می‌باشد؛ فردی است که پیش‌فرض‌های باورهای خویش را مورد واکاوی قرار می‌دهد و از تعصب و جمود و خودمحموری به دور است؛ در راستای چالش‌های زندگی و تغییرات آن با نگاهی علمی به حل مسائل اقدام می‌نماید و باورهای علمی را مطلق نمی‌پندارد؛ بلکه به فراخور نقشی که می‌تواند در حل مسئله ایفا کنند بها داده می‌شوند. با اتکاء به اندیشه‌ی خویش سعی در بروز خلاقیت‌های گوناگونی در موقعیت‌های متفاوت دارد؛ چنین دانش آموزی در صدد ارزیابی و سنجش موقعیت‌های کنونی خویش بر می‌آید و سعی بر آن دارد تا در جهت مطلوب گام بردارد. در تعاملات اجتماعی، عاطفی خویش در جامعه، سعی بر آن دارد تا به نحو مطلوب عمل نماید و سعادت خویش را تضمین کند.

در بعد معرفت‌شناسی نیز فلسفه اسلامی، واقعیت محور است. وجود حقایق عالم را پذیرفته و آنها را شایسته شناسایی می‌داند. خداوند را بالاترین حقیقتی متصورند که سایر حقایق، از آن متجلی می‌شوند. به عبارتی دیگر، اصل حقیقت در نظر اسلام، مطلق‌گرایی و واقع‌گرایی است. منتهی انسان‌ها به تناسب ظرفیت فکری خود، بخشی از این حقیقت را دریافت می‌کنند. تأکید بر شناخت‌های فطری و علم حضوری در رئالیسم اسلامی، بیانگر بکارگیری توأمان تجربه و استدلال در یادگیری است.

در رئالیسم اسلامی، فکر متربی حول محور خداوند می‌چرخد و سعی بر آن است که با تأکید بر ایمان و عمل، متربی را در مسیر تعالی قرار دهد. بر اندیشه، رفتار، روح و جسم انسان تمرکز می‌گردد و متعادل و متوازن بار آوردن دانش آموزان و تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه آنان را مدنظر قرار می‌دهد. به دلیل پرتو افکنی قرب الهی بر سایر انگیزه‌های آدمی، ایمان‌گرایی و رهایی از انگیزه‌های مادی و معنوی بر همه چیز مستولی می‌گردد. مطلق‌گرایی، حقیقت‌گرایی، عقل‌گرایی، پذیرش اصل علیت و پذیرش فراروایت‌ها، از مهمترین خصایص این نوع نگرش است که در نظام تربیتی و فکری مبتنی بر این نوع مکتب فلسفی نمایان می‌گردد. دو ویژگی اساسی انسان در این دیدگاه، عقل (علم) و ایمان است که تأکیدات فراوانی بر رشد قدرت عقلانی و تفکر انسانی، همچنین آموزش‌های معنوی و اخلاقی را به دنبال داشته است. مطابق این ویژگی اسلام ایمان مبتنی بر بینش را مطلوب و مقبول می‌شمارد و هر گونه تقلید به خصوص تقلید کورکورانه را مذمت می‌کند چنانچه که در اصول دین نیز فقط تحقیق را شایسته می‌داند و بس. در همین رابطه در آیه ۱۰۱ سوره مبارکه یونس نیز تصریح شده است که قبول ایمان در صورت عدم تفکر نه تنها هیچ بهره‌ای نمی‌بخشد بلکه به هلاکت به دنبال دارد: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ» بگو در آسمان‌ها و زمین به چشم عقل نظر کنید و بنگرید تا چه بسیار آیات حق و دلایل توحید را مشاهده می‌کنید گرچه هرگز مردمی را که به دیده عقل و ایمان ننگرند دلایل و آیات الهی بی‌نیاز نخواهد کرد.

مطابق با نظرات علامه طباطبایی و شهید مطهری مشخص شد که انسانیت انسان و فصل‌میز انسان از سایر حیوانات همین قوه تفکر است. از نظر آن‌ها هدف از آفرینش انسان را رسیدن به

کمال در سایه تفکر می دانند چرا که خداوند انسان را متفکر آفریده و شرط رسیدن به سعادت را استفاده از قدرت اندیشه می داند.

گام های توصیه شده برای تربیت دانش آموز فکور شامل تدبیر، تفکر، تعقل و رسیدن به مقصد بود. همسو با یافته به دست آمده در این عرصه که تعقل معیار سنجش و ارزیابی تفکر است می توان به نتایج پژوهش های نجفی و نیک فرجام (۱۴۰۱) و آدم زاده، سرمدی، فرج الهی و اسماعیلی (۱۳۹۵) اشاره کرد. نجفی و نیک فرجام نوشته اند که شرط توفیق در تفکر آن است که از صافی و فیلتر تعقل هم بگذرد. در پژوهش آدم زاده و همکاران هم آمده که تفکر در حکم مقدمه و یا ابزاری لازم برای تحقق تعقل است. مؤلفه های تربیت دانش آموز فکور هم مبین آن بود که ارزش عمل علاوه بر زیبایی حسن فعلی و فاعلی آن، منبعث از اختیار و تحت ساختار چهار جزئی مبادی فعل اختیاری یعنی علم، شوق، اراده و نیروی محرکه است. دانش آموز فکور عقلانیت خویش را در نیل به سعادت به کار می گیرد که این نوع حرکت تکاملی در جهت قرب الهی و عبودیت قرار دارد. این دانش آموز فردی است که پیش فرض های باورهای خویش را مورد واکاوی قرار می دهد و از تعصب و جمود و خودمحموری به دور است. در راستای چالش های زندگی و تغییرات آن با نگاهی علمی به حل مسائل اقدام می نماید و باورهای علمی را مطلق نمی پندارد. بلکه به فراخور نقشی که می توانند در حل مسئله ایفا کنند بها داده می شوند. با توجه به آن که نقادی مؤلفه های مهم در قرآن است. در این راستا پیروی از سنت های غلط گذشته به شدت در قرآن نفی شده است «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» (زخرف/۲۲). قرآن تبعیت از عادات و سنن غلط تیاکان را بارها نکوش کرده و درباره کسانی که عقاید گذشتگان خود را بدون نظر و تحقیق می پذیرند و اندیشه خود را به کار نمی گیرند می فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/۱۷۰)، و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟ لذا دانش آموز تربیت یافته مکتب رئالیسم اسلامی نیز درصدد ارزیابی و سنجش موقعیت های کنونی خویش برمی آید و سعی بر آن دارد تا در جهت مطلوب گام بردارد.

با توجه به آنچه مطرح شد پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های درسی تعلیم و تربیت رسمی عمومی رویه به سمت آموزش تفکر تغییر یابد و به دانش آموزان کمک شود تا در طی کردن سه مرحله کلی تدبیر، تفکر و تعقل موفق‌تر باشند. به عبارتی انتظار آن است که در برنامه‌های مدارس محتواها و روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آن‌ها دانش آموزان قابلیت‌های چگونگی تفکر کردن را بیاموزند و در زندگی روزمره‌ی خود به کار برند. برای این کار انتظار می‌رود رویکرد یاددهی و یادگیری به نوعی سازمان‌دهی شود که دانش آموزان به جای حافظه‌مداری، ذخیره‌سازی مباحث علمی و دانش افزایی صرف با مسائل واقعی زندگی آشنا و درگیر شوند. منظور از درگیری هم این است که ذهن دانش آموز برای شکل دادن به ایده‌های مرتبط با مجهولات فعالانه به کار گرفته شود یعنی ابتدا با مسئله مواجهه داشته باشد، آن را بشناسد، از مسئله به معلومات پیشین حرکت کند و معلومات را گونه‌ای مدیریت کند تا آنچه که مسئله را می‌تواند حل کند بیابد.

پیشنهاد پایانی که برآمده از متن تفسیر شریف المیزان علامه طباطبایی می‌باشد این است که تفکر و تعقل وقتی سلیم خواهد بود که شروطی مانند "رعایت اصول منطقی^۱، التزام به تقوا^۲، عمل به علم قبلی^۳ و ورود در ولایت الهی^۴" را پایبند باشد. به عبارتی آن آگاهی‌هایی که با استفاده از تفکر و تعقل معمولی به دست نمی‌آیند با استفاده از این شروط می‌توانند حاصل شوند. این شروط دری به سوی مرتبه‌ی باز می‌کند و آن حقایقی را می‌بیند که دیگران نمی‌توانند آن‌ها را ببینند و را درک کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم

آدم زاده، عفت؛ سرمدی، محمدرضا؛ فرج‌اللهی، مهران؛ اسماعیلی، زهره، (۱۳۹۵)، از معرفت‌شناسی علامه طباطبایی تا تفکر چند وجهی در تربیت زیباشناختی با نگاهی به قرآن کریم، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۲(۱): ۱۳۰-۱۱۳.

۱. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۴۱۷)

۲. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۳۳۹)

۳. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۹۹)

۴. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۴۴۱)

- حمیدی، کامبیز؛ آزادی، بهداد، (۱۳۹۸)، مقایسه بین آرا و اندیشه‌های جان لاک در تجربه‌گرایی مدرنیست با خط مشی‌گذاری‌های رئالیسم اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۱(۵): ۱۹۷-۲۰۸.
- شاکر، کمال مصطفی، (۱۳۸۴)، ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، جلد ۳-۴، تهران: اسلام.
- صالحی، اکبر؛ یاراحمدی، مصطفی، (۱۳۸۷)، تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۳(۲): ۵۰-۲۳.
- صفایی مقدم، مسعود؛ رشیدی، علیرضا؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر، (۱۳۸۵)، بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن، دوفصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۴): ۲۹-۱.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۷)، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه صادق لاریجانی و هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۸)، بررسی‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۶)، رساله الولایه، ترجمه همایون همتی، تهران: امیر کبیر.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، نه‌ایه الحکمه، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۳-۲-۱، قم: صدرا.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، فروغ حکمت، جلد ۱، قم: بوستان کتاب.
- محبی، عظیم، (۱۳۹۵)، مدرسه و تربیت دانش‌آموز فکور - مبتنی بر مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرآت.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، ده گفتار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، اصول تربیت در دوران کودکی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۲، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، مجموعه آثار، جلد ۲۲-۳-۲-۱، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، انسان کامل، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۷)، مسئله شناخت، تهران: صدرا.

- ملکی، حسن، (۱۳۸۴)، اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری، دوماهنامه علوم انسانی مصباح، ۹(۲): ۱۲۶-۱۰۳.
- موسوی مقدم، رحمت‌اله؛ علی زمانی، امیرعباس، (۱۳۹۰)، ساحات وجودی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۷(۳): ۷۶-۵۳.
- نجفی، حسن؛ نیک فرجام، محمدکاظم، (۱۴۰۱)، نقش تفکر در آموزش مفاهیم دینی از دیدگاه استاد علی صفایی حائری، ماهنامه معرفت، ۳۱(۴): ۵۶-۴۹.

